

ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سر دبیر: دانیال معمار
معاون ضمايم: حامد فوقانی
دبیر ویژه نامه: زکیه سعیدی
تحریریه: فرزین شیرزادی، سروش جنایی
سمیرا باباجانیپور، فریا روزبهانی، حسن حسن زاده
شهره کیانوش راد، حمید رضا رسولی و بهاره خسروی

واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
طراح گرافیک و صفحه آرایی: سعید غفوری
عکس: منا عادل، محمد عباس نژاد، ویرایش عکس: کامبیز نویدی
صفحه خوانی و حرفه‌چینی: همکاران واحد فنی تحریریه

چاپ: همشهری

توزیع و اشتراک:

مؤسسه نشر گستر امروز نوین

پدیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰

صندوق پستی:

۱۹۳۹۵۵۴۴۶

تلفن: ۲۳۰۲۳۴۶۴

نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷



گروه ضمايم همشهری ناشر نشریات:

دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها،
سرسزمین من، ماه، معمار، ۲۴، شهر نگار،
سرخ و محله

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر ۴، نرسیده به پارکوی،
کوچه شهید فریبتی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

بهترین قصه‌های تاریخی تهران
جایزه می‌گیرند

نشانی و شماره تماس ما: ۰۲۲-۲۳۲۵۵۰۴۶۴، mahaleh@hamshahri.org

صفحات «روایت تهران» که پیش‌روی شماست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذرها، واقعه‌های تأثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد. با عکس‌های یادمانداز خاطرات تهران دیرروز و قصه‌ها و ماجراهای پس‌پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر و شما «همشهریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند.

آش پرماجرا قجری



نام نذر: آش ناصرالدین شاه
محل ادای نذر: کاخ شهرستانک

قوانین نانوشته نذر ناصرالدین شاه این بود که افراد، موقع برگرداندن کاسه آش باید آن را پر از سکه طلا می‌کردند و به دربار می‌فرستادند. طبق دستور سرآشپز و درباری‌های بانفوذ، برای رجالی که مورد اعتماد دربار و از حلقه نزدیکان ناصرالدین شاه بودند یک کاسه آش بزرگ با روغن فراوان فرستاده می‌شد و آنها باید کاسه‌های بزرگ را با تعداد بیشتری سکه پر می‌کردند و بهای گزافی بابت توجه ویژه شاه می‌پرداختند. ریشه یکی از عامیانه‌ترین ضرب‌المثل‌های تهران را باید در همین ماجرا جست‌وجو کرد. اگر سرآشپز یا درباری‌هایی که در توزیع آش نذری ناصرالدین شاه نقش داشتند با یکی از رجال مملکتی اختلاف پیدا می‌کردند با گفتن جمله «آشی برایست پیزم که یک وجب روغن روی آن باشد» طرف دعوایشان را تهدید می‌کردند. چنان که با گذشت بیش از ۱۷۰ سال هنوز برخی تهرانی‌ها در منازعات گاه و بی‌گاه‌شان به این ضرب‌المثل متوسل می‌شوند و اینگونه بود که داستان آش نذری شاه قاجار به ضرب‌المثل ختم شد. شاید به همین دلیل در برخی از منابع مکتوب تاریخی از آش بیلاقی ناصرالدین شاه به جای آش نذری ناصرالدین شاه استفاده می‌کنند. برخی مورخان معتقدند ناصرالدین شاه و شماری از درباری‌ها در این ماجرا به قداست نذری به عنوان مراسم آیینی و سنتی تهرانی‌ها خدشه وارد کردند و ماهیت آن را زیر سؤال بردند.

آش یکی از محبوب‌ترین غذاها برای دوره‌های فامیلی و مهمانی‌های غیررسمی در تهران قدیم بوده است. در دوره قاجار طبخ آش در تهران حسابی رایج شد و این غذای ساده پای ثابت نذری‌ها بود. کار به جایی رسید که ناصرالدین شاه که علاقه زیادی به آشپزی و شکار داشت در سال ۱۲۴۷ شمسی دستور داد در کاخ شهرستانک، اقامتگاه بیلاقی‌اش، آش نذری بپزند که بعدها به «آش بیلاقی» معروف شد. پخت آش بیلاقی زمان و مکان مشخصی داشت. هر سال در فصل گرما، درباری‌ها در رکاب ناصرالدین شاه به کاخ شهرستانک و بعدها به سرخه حصار می‌رفتند تا بساط پخت آش نذری را برپا کنند. آشپزها آش را روی ۳۰ اجاق بزرگ می‌پختند و در پخت آن علاوه بر سبزی و حبوبات از مواد مغذی مختلفی مثل مغز بادام، مغز پسته، آلوبخارا، قیسی و برگه زردآلو استفاده می‌کردند تا حسابی قوام پیدا کند. وقتی پخت آش به پایان می‌رسید سرآشپز دربار که مسئول توزیع آش نذری بود وارد میدان می‌شد و همه حاشیه‌های نذر ناصرالدین شاه از همین نقطه شروع می‌شد. نقل است که به دستور سرآشپز یک کاسه آش به در خانه رجال مملکتی فرستاده می‌شد، اما این کار هم قواعد خاص خودش را داشت. یکی از

شمع به دست و پابرهنه می‌آمدند



نام نذر: ۴۱ منبر
محل ادای نذر: تکیه سادات اخوی و مجالس عزاداری

ادای نذر برای حاجت‌روا شدن با گذشت سده‌های طولانی به بخش جدا نشدنی فرهنگ و سنت پایتخت‌نشین‌ها تبدیل شده و مردم برای ادای نذرشان گزینه‌های متفاوتی دارند. نذر ۴۱ منبر هم یکی از انواع نذوراتی است که تاریخچه‌ای طولانی در پایتخت دارد و داستان‌های متفاوتی درباره آن نقل می‌شود. در دوره قاجار عده‌ای پابرهنه با کیسه‌ها یا جعبه‌های پر از شمع به تکیه‌ها و مجالس روضه می‌رفتند و نذرشان را با روشن کردن شمع ادا می‌کردند. نذر ۴۱ منبر البته مثل همه نذورات دیگر، آداب خاصی داشته که با گذشت زمان کمرنگ شده و جای خودش را به آیین‌های جدید داده است. این نذر معمولاً عصر تا سوا ادا می‌شد. صاحبان مجلس عزاداری یک تخته‌نمازک نزدیک منبر می‌گذاشتند و منتظر ورود افراد شمع‌به‌دست می‌شدند. این افراد که به آنها «۴۱ منبررو» می‌گفتند ۴۱ شمع در ۴۱ منبر روشن می‌کردند تا حاجت‌شان روا شود. عبدالله مستوفی در کتاب معروف «شرح زندگانی من» درباره نذر ۴۱ منبر به‌طور مفصل توضیح داده و نوشته است: «۴۱ منبرروها از هر طبقه‌ای بودند. حتی برخی از اعیان با فانوس و نوکر و پیشخدمت و فراش ۴۱ منبر می‌رفتند. جعبه شمع آنها زیر بغل‌شان بود و آقا که پای منبر می‌رسید

شمع‌شان را روشن می‌کردند و با کمال اخلاص منبر را می‌بوسیدند.» نذر ۴۱ منبر در دوره قاجار به حدی در تهران فراگیر می‌شود که برخی از تکایای پایتخت مثل سادات اخوی برای روشن کردن شمع اجبار داشتند و همه افراد بعد از ورود به تکیه باید یک شمع ۴۱ منبرشان را روشن می‌کردند. نوع و فرم شمع‌های ۴۱ منبر هم با نذر افراد نسبت داشته است. عبدالله مستوفی در این باره نوشته: «اشخاصی که بچه‌هایشان پا نمی‌گرفتند برای طفل جدیدالولاده خود شمع قدی در تکیه سادات اخوی روشن می‌کردند. محل روشن کردن شمع‌های ۴۱ منبر در باغچه بود و شمع‌ها باید میان گل‌های باغچه روشن می‌شد. در یک برهه‌ای کار از منبر گذشت و در هر گوشه تکیه بساط شمع روشن کردن دایر بود.» آنطور که عبدالله مستوفی در کتاب «شرح زندگانی من» نوشته، مقداری از خرج روضه‌ها از مقاطعه دادن شمع‌های گچی و پیچی که روشن نشده، خاموش و به صندوق‌ها منتقل می‌شد درمی‌آمد. مستوفی نوشته که سه، چهار هزار شمع سر سوخته و سه، چهار خروار پیه، حاصل عمل این مقاطعه بود. یعنی عده‌ای با فروختن شمع و جمع‌آوری شمع‌های سالم و سوخته مقداری از هزینه‌های مجالس روضه‌خوانی را تأمین می‌کردند، اما نذر ۴۱ منبر مثل بسیاری از نذرهای دیگر آرام آرام از فهرست آیین‌های عزاداری در تهران حذف شد؛ حالا شمع ۴۱ منبر در هیچ تکیه و مجلس روضه‌ای نمی‌سوزد.

یک سفره کاملاً زنانه

نام نذر: بی‌بی‌سه‌شنبه
محل ادای نذر: محله‌های تهران

در دنیای مردانه قاجارها جای کوچکی برای فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی بانوان تهران وجود داشت؛ جایی که خانم‌ها دور هم جمع شوند، نماز، قرآن و... بخوانند و درباره دین، واجبات و شریعت آن کسب اطلاع کنند و همچنین دورهمی ساده‌ای داشته باشند تا دسته‌جمعی علاوه بر تازه کردن دیدارها و درد دل کردن‌ها، یک کار خیر خداپسندانه هم برای رفع مشکلات زندگی خود و دوستان و آشنایان انجام دهند. نذر سفره «بی‌بی‌سه‌شنبه» یکی از این نذرهای پرطرفدار و گره‌گشادر میان بانوان تهران قدیم بود؛ نذری که هیچ مردی و همچنین زن بارداری اجازه خوردن نذورات سفره را نداشت، قصه جالبی دارد. درباره نحوه اجرای این نذر منس‌الدوله، ندیمه دربار ناصرالدین شاه، در کتاب خاطراتش نوشته است: «در تهران دوران ناصری که نذر سفره بی‌بی‌سه‌شنبه، بی‌بی‌حور و بی‌بی‌نور در میان زنان به شدت رواج داشت، زن روضه‌خوان بالای سفره می‌نشست و یک مجلس روضه می‌خواند و خانم‌ها اطراف سفره گریه می‌کردند و آنگاه که روضه تمام می‌شد، خوردنی‌های درون سفره را قسمت می‌کردند.» گفته تهران‌شناسان قدیم، در زمان اجرای این نذر مراسمی مثل جمع شدن بانوان دور دایگ کاجی و تعریف کردن قصه و روایت‌های دینی و مذهبی قبل از خوردن کاجی و نذر و نیت کردن برای قبولی حاجات از دیگر آیین‌های این سفره نذری بود.

